

پیوند بیرونی

ازدواج دو بیمار در بیمارستان

ازدواج دو بیمار در یکی از بیمارستان‌های آفریقایی جنوبی به سه‌وزای جالب برای رسانه‌های این کشور تبدیل شد. به گزارش ایسنا، «کلر استراچان» و «مارتین هوبنر» که هر دو اهل آلمان هستند، برای تعطیلات در آفریقای جنوبی به سر می‌برند که در پی وقوع دو سانحه جداگانه مجروح و در بیمارستان بستری شدند و در نهایت با یکدیگر در همان بیمارستان ازدواج کردند. این زوج که ۲۴ساله هستند، قرار است پس از مرخص شدن از بیمارستان جشن عروسی خود را برگزار کنند.

محکومیت کودک چهار ساله به اتهام تصادف با دوچرخه

گروه حوادث: دادگاه عالی ایالت «نیویورک» در آمریکا یک دخترپنجه چهار ساله را به اتهام زیر گرفتن پیرزنی با دوچرخه محکوم کرد. به گزارش شورت نیوز، «ژولیت بیرتیم» که یک دخترپنجه چهار ساله اهل ایالت «نیویورک» است، با دوچرخه با عابری ۸۷ساله به نام «کلر منا» تصادف کرد و منجر به مرگ او شد. این کودک همراه با یکی از دوستان خود در پیاده‌رو یکی از خیابان‌های ایالت در حال دوچرخه‌سواری و مسابقه بود که با این پیرزن برخورد کرد و باعث شد کلر از ناحیه لگن دچار شکستگی شود. این زن پس از عمل جراحی سه ماه در بیمارستان بستری بود تا اینکه جان باخت. پس از آن دادگاه این کودک را به دلیل بی‌توجهی به حقوق شهروندی، دوچرخه‌سواری در پیاده‌رو و رعایت نکردن قوانین راهنمایی محکوم کرد.

نجات معجزه‌آسای نوزاد ۱۸ماهه

گروه حوادث: مرکز فوریت‌های پزشکی استرالیا از نجات معجزه‌آسای یک نوزاد ۱۸ماهه پس از سقوط از طبقه سوم ساختمانی خبر داد. به گزارش ای‌بی‌سی نیوز، این دختر ۱۸ماهه به دلیل بی‌توجهی والدینش از پنجره سوم ساختمان محل سکونتش به پایین پرتاب شده، اما به طرز معجزه‌آسایی از خطر مرگ نجات یافت و فقط از ناحیه دست و چمجمه دچار جراحت سطحی شد. این نوزاد بلافاصله پس از سقوط به بیمارستان کودکان «وست مید» در سیدنی منتقل شد و تحت مراقبت قرار گرفت.

تاجر آمریکایی به خاطر فروش عاج فیل محکوم شد

یک مرد فلوریدایی به اتهام فروش غیرقانونی عاج فیل آفریقایی به حبس و پرداخت جریمه محکوم شد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، جوزف بارینگر که صاحب یک شرکت تولیدکننده قطعات چوب بیلبارد است چوب‌های تهیه‌شده از عاج فیل را به یک افسر پلیس در اسکاتلندپارافروخته است. مقامات پلیس فدرال آمریکا ۸۹ کیلوگرم عاج فیل از محل کار این تاجر آمریکایی کشف کردند. دادگاه فدرال، بارینگر را به یک سال حبس، یک سال آزادی مشروط و پرداخت حداکثر جریمه نقدی ۱۰۰ هزار دلار یا دو برابر خالص مبلغی که از تجارت عاج‌ها به دست آورده، محکوم کرده است. بنا بر این گزارش طبق آمار گروه حفاظت از محیط زیست صندوق جهانی حیات وحش، سالانه دست‌کم ۴۰۰ فیل در سراسر آفریقا قربانی تجارت غیرقانونی عاج می‌شوند.

خبر

سرقت از مشتریان بانک‌ها با جعل عنوان پلیس
اعضای بانددی که تحت عنوان مأمور نیروی انتظامی اقدام به سرقت می کردند، توسط مأموران پلیس استان‌های تهران دستگیر شدند. سردار علیرضا اکبرشاهی فرمانده انتظامی استان‌های تهران به ایسنا گفت: چندی پیش مأموران نیروی انتظامی استان تهران از طریق تماس شهروندانی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ در جریان وقوع سرقتی توسط مأموران قلابی قرار گرفتند. وی ادامه داد: شاکیان با حضور در پلیس آگاهی اذعان کردند افرادی با لباس نیروی انتظامی و درجه افسری به آنان دستور توقف دادند و در بازرسی از اتومبیل اموال و پول‌های آنان را به سرعت بردند. مأموران در بررسی‌های خود دریافتند سارقان، افرادی را که از بانک خارج شده و مبالغ زیادی پول به همراه داشتند، شناسایی کرده و آنان را محومه قرار دادند. اکبرشاهی ادامه داد: مأموران در تحقیق از مالباختگان، چهره فرضی این سه متهم را ترسیم و آن را به تمام واحدهای گشت ارسال کردند. پس از گذشت چند هفته یکی از واحدهای گشت به سرنشینان یک دستگاه سواری زانیا مظنون شد و دستور ایست داد اما سرنشینان به جای توقف اقدام به فرار کردند. فرمانده انتظامی استان تهران گفت: مأموران بعد از تعقیب و گریز چندساعته با استفاده از قانون به کارگیری سلاح با شلیک گلوله‌ای خودرو زانیا را متوقف کردند اما سرنشینان زانیا با پای پیاده به فرار ادامه دادند. مأموران نیز آنها را از ناحیه پا مجروح و دستگیر کردند. فرمانده انتظامی استان تهران خاطرنشان کرد: سه متهم که یکی از آنان زن است به سرعت تحت عنوان متهم اعتراف و سپس ۲۵ مالباخته آنها را به عنوان سارق شناسایی کردند. به گفته این مقام انتظامی احتمال افزایش تعداد شاکیان باز هم وجود دارد.

تعرض راننده آمبولانس به ۲۰ بیمار

گروه حوادث: پلیس آفریقایی جنوبی یک راننده آمبولانس را به اتهام تعرض و سوءاستفاده از بیماران دستگیر کرد. به گزارش شورت نیوز، این مرد ۳۵ساله که به مدت سه ماه در آمبولانس اقدام به تعرض به بیماران می‌کرد در نهایت با شکایت یکی از بیماران توسط پلیس شناسایی و دستگیر شد و به تعرض به بیش از ۲۰ بیمار و تهدید آنها به مرگ اعتراف کرد.

قتل نامادری، شیوه‌ای برای اعتراض به ازدواج مجدد پدر

گروه حوادث: جوانی که از ازدواج پدر ۸۰ساله‌اش با زنی ۳۵ساله خشمگین شده بود نامادری‌اش را با ضربات چوب به قتل رساند. به گزارش خبرنگار ما، صبح روز سه‌شنبه هفته گذشته به پلیس شهرستان سرخس خبر رسید زنی ۳۵ساله به نام هستی در خانه‌اش به قتل رسیده است. اعلام این خبر کافی بود تا دقایقی بعد محل کشف جسد تحت کنترل پلیس درآید و کارآگاهان جنایی تلاش‌های خود را برای رازگشایی از این جنایت مرموز آغاز کنند. جنازه زن جوان در حالی در گوشه‌ای از خانه‌اش افتاده بود که آثار ضربات متعدد جسم سخت در سر و صورتش کاملاً مشهود و از طرف دیگر تکه‌ای سیم برق نیز به دور گلوئی وی پیچیده شده بود. با ثبت جزئیات محل حادثه جسد برای انجام آزمایش‌های دقیق به پزشکی قانونی منتقل شد و افسران جنایی بررسی‌هایشان را با تحقیق درباره زندگی

خصوصی مقتول ادامه دادند. تجسس‌ها نشان داد هستی چندی قبل به عقد مردی ۸۰ساله به نام فرخ درآمده و مدت‌ها بود که با او زندگی می‌کرد. تحقیقات فاش کرد با وجود اینکه هستی و فرخ هر دو از زندگی تازه‌شان رضایت داشتند اما پسر ۲۵ساله فرخ به نام حسن از ازدواج مجدد پدرش ناراضی بود و این ناراضی‌ا را نیز پنهان نمی‌کرد. با گذشت چند روز در حالی که هیچ مظنونی برای این جنایت شناسایی نشده بود فاش شدن اختلاف حسن و پدرش به سرخنی برای ادامه تحقیقات تبدیل شد. به این ترتیب پسرخوانده مقتول به عنوان مظنون به قتل بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در بازجویی‌های مقدماتی اتهام قتل هستی را انکار کرد و گفت با وجود اینکه رابطه‌اش با نامادری‌اش چندان خوب نبود اما انگیزه‌ای برای قتل او نداشت. اظهارات این جوان نوانست بازجویان را قانع کند. به همین دلیل

دفتر مجلل، محلی برای کلاهبرداران ۱/۵ میلیاردی دو شیا

گروه حوادث: دو مرد ششیاد با وعده خرید نقدی مواد غذایی توانستند ۲۰ نفر را فریب دهند و از آنان ۱/۵ میلیارد تومان کلاهبرداری کنند. به گزارش خبرنگار ما، تحقیقات در این‌باره زمانی آغاز شد که یک فروشنده مواد غذایی نزد پلیس رفت و گفت مردی با معرفی خود به عنوان نماینده یکی از وزارت‌خانه‌ها مقداری مواد غذایی به ارزش ۶۰۰ میلیون تومان از او خریده اما چند روز بعد با برگشت خوردن چک‌هایش فراری شده است. مالباخته در جریان رسیدگی به این شکایت به بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۱۲ گفت: یک روز وقتی صفحات آگهی‌های یکی از روزنامه‌ها را ورق می‌زدم چشمم روی یک آگهی متوقف شد. آگهی‌دهنده مدعی شده بود مواد غذایی شامل رب، برنج و حبوبات را به صورت نقدی می‌خرد. فوراً با شماره اعلام‌شده تماس گرفتم و بعد از انجام گفت‌وگو با شخصی به نام علی‌اکبر به محل کار وی در چهارراه مولوی رفتم. او گفت وابسته به یکی از وزار‌خانه‌ها و مسؤول تهیه مواد غذایی آنهاست و به همین دلیل به مقداری زیادی مواد غذایی احتیاج دارد. شاکی ادامه داد: علی‌اکبر بعد از اولین دیدارمان من را به دفتر اصلی کارش در خیابان گاندی دعوت کرد. وقتی به آنجا رفتم، او گفت به علت گسترده‌گی کارش چندین دفتر خرید و فروش مواد غذایی در تهران و استان‌های شمالی راهاندازی کرده است. محل کار او بسیار شیک و مجلل بود. این ظواهر از یک سو و حرف‌هایی که درباره رابطه‌اش با وزارتخانه می‌زد از سوی دیگر

اما وقتی اولین چک را به بانک بردم، فهمیدم حساب او خالی است. سراسیمه به دفتر مولوی و گاندی او رفتم اما هر دو محل تخلیه شده بود و آنجا بود که فهمیدم علی‌اکبر از من کلاهبرداری کرده است.

با ثبت اظهارات این مرد افسران پایگاه مقتم پلیس آگاهی موظف شدند در این‌باره تحقیق کنند. در جریان تجسس‌های مأموران مشخص شد چند نفر دیگر نیز در بازار تهران با همین شگرذ فریب مرد کلاهبردار را خورده‌اند. بنابراین با گسترده‌تر شدن

گروه حوادث: رابطه پنهانی یک مرد با زنی متاهل باعث شد او به دست شوهر و برادر زن جوان به قتل برسد.

به گزارش خبرنگار ما، ۱۵ مهرماه مردی به پلیس آگاهی شیراز رفت و جملاتی غیرمنتظره را به زبان آورد. او گفت: «برادر ۲۵ساله‌ام به نام سعید برای جسد سوخته امیدوار شده بودند مینا ناگهان از همکاری با پلیس منصرف شد و زمانی که مورد بازجویی قرار گرفت در برابر سوالات سکوت کرد. به این ترتیب چند روزی در بی‌خبری گذشت تا اینکه مینا بار دیگر به حرف آمد و به افسران جنایی گفت: عامل قتل سعید شوهر و برادر من هستند. عباس و علی تصور می‌کردند من با سعید رابطه دارم و به همین خاطر هم مرا وادار کردند با او تماس بگیرم و بخواهم به خانه ما بیاید. سعید ابتدا طفره رفت اما با اصرار من بالاخره آمد و عباس شوهرم به همراه علی برادرم او را کشتند.

اعتراف این زن بازداشت عباس و علی را در پی داشت. آنها هر دو به قتل اعتراف کردند و جزئیات جنایت را

اعتراف سارق موتورسوار به قاپیدن تلفن همراه شهروندان

وقتی به پول نیاز داشتم سوار بر موتورسیکلت می‌شدم و در خیابان‌ها با مکزکی و جنوب تهران از جمله اطراف میدان راداهن، شهرک ولی‌عصر، خیابان ولی‌عصر(عج) و میدان گمرک پرسه می‌زدم و عابرانی را که معمولاً حین صحبت با تلفن همراه هیچ توجهی به اطراف خود نداشتند، شناسایی می‌کردم و گوشی را حین مکالمه آنها می‌قایپدم.

بنا بر این گزارش سرهنگ حسین خان‌بابایی رئیس پایگاه هشتم پلیس آگاهی تهران درباره جزئیات این پرونده گفت: از آنجایی که احتمال دارد متهم سرقت‌های بسیار بیشتری از اعترافات خود انجام داده باشد، بازپرس پرونده خواستار انتشار تصویر بدون پوشش متهم در جراید شد. شهروندانی که از ابتدای سال‌جاری در محدوده‌های مرکزی و جنوب تهران به این شیوه گوشی تلفن همراه یا کیف آنان توسط راننده موتورسیکلت به سرقت رفته است، می‌توانند

برای پیگیری از تشکیل پرونده به شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۱۱ تهران مراجعه کنند. این مقام انتظامی درباره متهم پرونده نیز متذکر شد: اگرچه بسیاری از سارقان کیف‌آپ به مواد مخدر اعتیاد دارند و برای تامین مواد دست به سرقت می‌زنند، این متهم مجرد، اعتیاد ندارد و در واقع باید گفت به خاطر نداشتن اراده کار کردن به این زدنی‌ها روی آورده بود.

حوادث

شیوه‌ای برای اعتراض به ازدواج مجدد پدر

مقتول در ۳۵سالگی با مردی ۸۰ساله ازدواج کرده بود

بازجویی‌های فنی از وی ادامه یافت تا اینکه چند روز بعد او برخلاف اظهارات اولیه‌اش به قتل هستی اقرار کرد. او در اعترافاش گفت: سال‌ها قبل مادرم فوت شد و من همراه پدرم زندگی می‌کردم. روزمره ما به خوبی پیش می‌رفت اما وقتی پدرم تصمیم گرفت پس از سال‌ها دوباره ازدواج کند زندگی‌مان در یک قدمی فروپاشی قرار گرفت. از این تصمیم پدرم ناراحت بودم و هر کاری که می‌توانستم برای منصرف کردن او انجام دادم اما فایده‌ای نداشت و سرانجام پدرم در ۸۰سالگی هستی را که ۳۵ساله بود به عقد خودش درآورد. بعد از آن از رفتارها و نگاه‌های همه خجالت می‌کشیدم. اینکه پدرم با زنی ۴۵ سال کوچک‌تر از خود ازدواج کرده بود، آزارم می‌داد. از طرفی رفتار نامادری‌ام بسیار مشکوک بود و من نسبت به او سوءظن داشتم. با این وجود سعی می‌کردم این سختی‌ها را تحمل کنم. روز حادثه

دفتر مجلل، محلی برای کلاهبرداران ۱/۵ میلیاردی دو شیا

باعث شد اعتماد نسبت به وی جلب شود. یک روز درحالی که به دعوت علی‌اکبر به دفترش رفته بودم، او چندین تن برنج به ارزش ۶۰۰ میلیون تومان سفارش داد و با من قرارداد بست. او همان‌جا به صورت نقدی ۶۰ میلیون تومان همراه با چند فقره چک مدت‌دار به من پرداخت کرد و قرار شد تا چند روز دیگر برنج‌ها را به وی تحویل بدهم. چند روز بعد طبق قراردادنم برنج‌ها را به علی‌اکبر تحویل دادم و بعد از آن دیگر او را ندیدم.

اما وقتی اولین چک را به بانک بردم، فهمیدم حساب او خالی است. سراسیمه به دفتر مولوی و گاندی او رفتم اما هر دو محل تخلیه شده بود و آنجا بود که فهمیدم علی‌اکبر از من کلاهبرداری کرده است. با ثبت اظهارات این مرد افسران پایگاه مقتم پلیس آگاهی موظف شدند در این‌باره تحقیق کنند. در جریان تجسس‌های مأموران مشخص شد چند نفر دیگر نیز در بازار تهران با همین شگرذ فریب مرد کلاهبردار را خورده‌اند. بنابراین با گسترده‌تر شدن

راز جنازه سوخته در رابطه پنهانی مقتول نهفته بود

شرح دادند. عباس شوهر مینا در اعترافاش گفت: من و علی به اتفاق سعید کالای قاچاق به شیراز می‌آوردیم و می‌فروختیم. ما شریک بودیم و این کار سود زیادی برایمان داشت تا اینکه مدتی قبل به رفت و آمدهای سعید به ختاهم مشکوک شدم. او هر بار بی‌دلیل به منزل من می‌آمد و ساعت‌ها می‌نشست. موضوع را با علی در میان گذاشتم. او از خواهرش حمایت می‌کرد و می‌گفت مینا هرگز خیانت نمی‌کند و من بی‌دلیل به او مظنون شده‌ام. مدتی از این ماجرا گذشت و من به صورت کاملاً اتفاقی یک روز در وسایل سعید عکس همسرم و نامهای او را پیدا کردم.

متهم ادامه داد: این مدارک را به علی نشان دادم و ما با هم نقشه قتل را طراحی کردیم. قرار شد مینا را وادار کنیم با سعید تماس بگیرد و با او قرار بگذارد. فکر می‌کنم سعید متوجه شده بود چه نقشه‌ای در سر داریم چون مرتب بهانه‌تراشی می‌کرد و می‌گفت نمی‌آید.

کلاهبرداری‌های چندین میلیونی با وعده پرداخت وام

گروه‌حوادث:هشدرهایی بی‌پری‌پلیس درباره برهیز از انجام محموله‌های غیرمعتبر و افرادی که وعده پرداخت وام می‌دهند هنوز از سوی عده‌ای از شهروندان جدی گرفته نمی‌شود و همین موضوع فرصت انجام جرم را برای کلاهبرداران فراهم کرده است. به گزارش خبرنگار ما این روزها پلیس اسلامشهر در تلاش برای دستگیری اعضای خانواده‌ای است که با همین ترفند ۱۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده‌اند. آبان سال ۸۷ عده‌ای از شهروندان شهرستان‌های اسلامشهر، کرج، شهریار و رباط‌کریم به پلیس آگاهی شهرستان اسلامشهر رفتند و خبر دادند از سوی افراد یک خانواده مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند.

شگرد و شیوه این خانواده به این ترتیب بود که پس از جلب اعتماد همسایه‌ها و اهالی محل، طرح جمع‌آوری مبالغ بین سه تا هشت میلیون تومان را بین افراد مطرح و عنوان می‌کردند به صورت دوره‌ای و قرعه‌کشی هر ماه به یک نفر وام اعطا می‌کنند. اعضای این باند که نزدیک به پنج سال به این اقدام مبادرت و به صورت دوره‌ای به افراد عضو این طرح نیز وام اعطا می‌کردند، سال ۸۷ وقتی تعداد اعضای صندوق‌شان به ۶۰ نفر رسید و مبلغی نزدیک به ۱۰۰ میلیون تومان به دست آوردند از فرصت استفاده کردند و متواری شدند. مأموران از آن زمان تاکنون برای یافتن اعضای این خانواده جست‌وجوهای وسیعی انجام داده‌اند ولی این تلاش‌ها

قتل نامادری، شیوه‌ای برای اعتراض به ازدواج مجدد پدر

وقتی نامادری‌ام در خانه بود بر سر همین موضوع با او مشاجره کردم. هستی حرف‌هایی زد که من را عصبانی کرد و باعث شد کنترل‌رم را از دست بدهم. لحظاتی بعد کنترل خودم را از دست دادم و در حالت عصبانیت چوبی را برداشتم و با آن چندین ضربه پی در پی به سر و صورت او زدم. در حالی که هستی بی‌جان شده و روی زمین افتاده بود یک تکه سیم هم دور گردنش پیچیدم و آنقدر آن را کشیدم تا از مرگش مطمئن شوم. سپس خودم را مرتب کردم و طوری که هیچ کس متوجه نشود از خانه بیرون رفتم. من برای کشتن نامادری‌ام نیت و قصد قبلی نداشتم اما خشم انی من را وادار کرد دست به این کار بزنم. اگر پدرم با هستی ازدواج نمی‌کرد هیچ وقت شرایط برای این کار فراهم نمی‌شد. بنا بر این گزارش حسن مه‌اکتوب در بازداشت به سر می‌برد و بازجویی‌ها از وی ادامه دارد.

دفتر مجلل، محلی برای کلاهبرداران ۱/۵ میلیاردی دو شیا

و همچنین افتتاح دفتر در یکی از استان‌های شمالی کشور از ده‌ها فروشنده مواد غذایی کلاهبرداری کرده است. تجسس‌های بیشتر نشان داد فرد دیگری به نام کاویانی نیز در این کلاهبرداری‌ها همدست اوست که همزمان با علی‌اکبر وی نیز متواری شده است. به دست آمدن این سرنخنه بعد از چند روز به شناسایی مخفیگاه علی‌اکبر در منطقه شهران انجامید. به این ترتیب کارآگاهان بدون فوت وقت در عملیاتی غافلگیرکننده ساعت شش بامداد روز ۲۰ مهرماه وی را دستگیر و به پایگاه هفتم پلیس آگاهی منتقل کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهم ده‌ها فقره چک بلامحل و چندین فقره دسته چک جعلی کشف شد.

با آغاز بازجویی‌ها از علی‌اکبر وی به‌ارتکاب کلاهبرداری با همدستی شخصی به نام کوروش اقرار کرد. او همچنین نشانی انباری را که مواد غذایی را در آنجا پنهان کرده بودو به مأموران اعلام کرد و در ادامه ضمن کشف چندین تن مواد غذایی همدست وی نیز بازداشت شد.

سرهنگ کارگاه علی غیاثوند رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام جزئیات این خبر گفت: تاکنون ۲۰ نفر از علی‌اکبر به اتهام کلاهبرداری شکایت کرده‌اند و ارزش تقریبی اموال کلاهبرداری‌شده حدود ۱/۵ میلیارد تومان برآورد می‌شود. وی همچنین از افرادی که با این شیوه از آنها کلاهبرداری شده دعوت کرد برای شناسایی متهمان به پایگاه هفتم پلیس آگاهی مراجعه کنند.

بالاخره او آمد. من و علی در خانه مخفی شده بودیم. وقتی سعید وارد شد هر دو به ستمش هجوم بردیم و او را با پیچیدن دستمالی دور گردنش به قتل رساندیم. جسد را تا نیمه‌شب در حمام نگه داشتیم، وقتی شب به نیمه رسید من و علی جسد سعید را برداشتیم و گونی‌بیچ کردیم و بعد به بیابانی اطراف شیراز بردیم، نیمه‌شب در بیابان روی او بزرین ریختیم و جسد وی را به آتش کشیدیم سپس به خانه برگشتیم. در این مدت من می‌دیدم که مینا حالش خوب نیست و به شدت عصبی است اما از آنجایی که پای خودش هم در میان بود فکر نمی‌کردم به پلیس خبر دهد. عباس در مورد اینکه مینا چه نقشی در این قتل داشت، گفت: او هیچ دخالتی نمی‌کرد و به شدت ترسیده بود. چون می‌دانست من بسیار متعصب هستم و اگر واکنشی نشان دهد او را هم خواهم کشت.

اعترافات عباس توسط علی هم مورد تایید قرار گرفت و هر سه متهم برای انجام تحقیقات بیشتر در قرار بازداشت در اختیار اداره آگاهی قرار گرفتند.

کلاهبرداری‌های چندین میلیونی با وعده پرداخت وام

ثمری نداشته به همین دلیل بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب اسلامشهر خواستار چاپ عکس بدون پوشش این کلاهبرداران شد تا چنانچه شهروندان از محل سکونت یا محل اختفای این افراد مطلع هستند مراتب را به پلیس آگاهی اسلامشهر یا مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰اطلاع‌دهند.

در حالی که تلاش‌ها برای دستگیری وام‌دهندگان قلابی همچنان ادامه دارد بازپرس دادسرای ناحیه دو تهران مشغول رسیدگی به پرونده‌ای با موضوعی مشابه است. مطابق محتوای این پرونده یک مجرم حرفه‌ای با تاسیس شرکت صوری و بدون وعده پرداخت وام، از ۴۷۰ نفر کلاهبرداری کرده است. متهم که عبدالرضا نام دارد بعد از آنکه شرکت خود را راه انداخت در برخی روزنامه‌ها تبلیغات وسیعی انجام داد و متقاضیان وام را جذب کرد. او با این ادعا که می‌تواند در کمترین زمان ممکن برای مشتریاناش وام‌های میلیونی با سود کم دریافت کند از هر کدام از آنان مبالغی را به عنوان کارمزد گرفت و فراری شد. دو ماه قبل مالباختگان وقتی فهمیدند در چه دامی گرفتار شده‌اند به طرح شکایت پرداختند و از متهم چهره‌نگاری کردند. این کار فاش کرد مرد شیاد از مجرمان سابقه‌دار است، به این ترتیب او تحت تعقیب قرار گرفت و چند روز قبل بازداشت شد و اکنون رسیدگی به پرونده اتهامی او در ادامه دارد.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۱ *شرق* *روزانه*

حادثه‌ها

قتل مرموز چهار عضو یک خانواده

گروه حوادث: اعضای یک خانواده چهار نفره در بابل به طرز مشکوکی به قتل رسیدند. به گزارش فارس، اعضای این خانواده که یک زن و شوهر و دو فرزندشان هستند در خانه‌شان در منطقه توحید ۶۲ واقع در کمربندی غربی بابل بعد از ضرب و جرح، خفه شدند و به قتل رسیدند. پدر زن کشته شده بعد از تماس‌های مکرر با منزل دخترش زمانی که پاسخی از فرزندش دریافت نکرد به منزل او رفت اما با در بسته مواجه شد و موضوع را با پلیس ۱۱۰ در میان گذاشت. زمانی که پلیس در محل حادثه حضور یافت با اجساد خانواده که متشکل از پدر ۲۲ساله خانواده، مادر ۳۴ساله خانواده و پسر ۱۱ساله و دختر هفت ساله بود، مواجه شد. پزشک قانونی زمان مرگ مقتولان را ۲۴ ساعت پیش از کشف اجساد اعلام کرده است. یک مسوول انتظامی بابل نیز با تایید این خبر گفت: تاکنون کسی بازداشت نشده است و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

مرگ یک قاتل فراری در درگیری با پلیس

گروه حوادث: مرد شروری که از مدت‌ها قبل تحت تعقیب قرار داشت در درگیری با مأموران نیروی انتظامی استان فارس کشته شد. سردار «مویدی» فرمانده انتظامی فارس در این‌باره گفت: «این متهم به نام «عباس ت» دارای سوابق بسیار از جمله حمل و نگهداری مواد مخدر، سرقت مسلحانه، ایجاد رعب و وحشت در منطقه، زورگیری و قتل بود.» فرمانده انتظامی فارس افزود: این شور به اتفاق چند نفر دیگر با تشکیل باند تبهکاری در منطقه چاهورز شهرستان لامرد اقدام به اعمال خلاف و سلب امنیت شهروندان در استان فارس و استان‌های مجاور می‌کرد. وی به همراه همدستان خود در روز عید فطر سال ۸۷ رئیس شورای دهستان چاهورز را به قتل رساند و بلافاصله از منطقه متواری شد و تاکنون با تغییر روش و شیوه‌های خود به ترانزیت مواد مخدر و سرقت‌های مسلحانه اقدام می‌کرد. سردار «مویدی» در توضیح نحوه مرگ این شرور معروف نیز گفت: مأموران شامگاه شبیه با به‌کارگیری روش‌های اطلاعاتی او را در حلقه محاصره گرفتار کردند اما به دلیل مقاومت وی و تیراندازی به سمت پلیس، مأموران مجبور به تیراندازی شدند و او در این درگیری کشته شد.

دستگیری دندانیزشک قلابی با تحصیلات ابتدایی

گروه حوادث: فردی که با سواد ابتدایی مطب دندانشکزی دایر کرده بود و طبابت می‌کرد، دستگیر شد. مأموران پلیس اطلاعات و امنیت سبزوآر وقتی به رفت و آمدهایی که به منزل این شخص انجام می‌شد، مشکوک شدند ابتدا آنجا را زیر نظر گرفتند و سپس با هماهنگی مقام قضایی این منزل را مورد بازرسی قرار دادند. در این مرحله مشخص شد این فرد که تحصیلات وی در حد ابتدایی است در منزل خود اقدام به دندانشکشی می‌کند. این متهم به مرجع قضایی معرفی شده و پرونده اتهامی او در جریان است.

دستگیری دوقلوهای شرور

گروه حوادث: دو برادر شرور که با مزاحمت‌های خود باعث شکایت شهروندان اصفهانی شده بودند به مرجع قضایی معرفی شدند. سرهنگ «محسن عقیلی» فرمانده انتظامی شهرستان اصفهان با اعلام این خبر گفت: در پی کسب خبری مبنی بر درگیری و تخریب شیشه خودروهای شهروندان در یکی از مناطق شهر اصفهان رسیدگی موضوع در دستور کار مأموران قرار گرفت. وی افزود: مأموران به محل حادثه رفتند و در تحقیقات صورت‌گرفته از شاهدان عینی ماجرا فهمیدند دو برادر دوقلو به نام‌های «محمدرضا» و «میر ب» که از افراد شرور هستند در جریان یک درگیری اقدام به شکستن شیشه خودرو شهروندان کرده‌اند. این مقام قضایی گفت: مأموران پس از اخذ مشخصات برادران دوقلو با تشکیل اکپ‌های نامحسوس و به‌کارگیری اقدامات ویژه پلیسی آنها را دستگیر کردند و به مرجع قضایی تحویل دادند.

جاسازی مواد مخدر در کنتور آب

گروه حوادث: دو فروشنده مواد مخدر برای اینکه از دست پلیس در امان باشند محموله خود را در کنتور آب خانه‌شان پنهان کردند. مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر سلوجیلاخ در پی دریافت کارزاری مبنی بر تهیه و توزیع مواد مخدر در یکی از محله‌های شهر چهارباغ این شهرستان به تحقیق پرداختند و موفق به شناسایی دو نفر از توزیع‌کنندگان مواد مخدر شدند و منزل آنها را تحت نظر قرار دادند. سپس هنگامی که متهمان در منزل حضور داشتند داخل رفتند و متهمان را در حالی که قصد داشتند از پشت‌بام متواری شوند در عملیاتی ضربتی دستگیر کردند. مأموران در ادامه با بازرسی از خانه ۹۷۰ گرم هروئین که در کنتور آب ساختمان جاسازی شده بود، کشف و ضبط کردند.

دادخواست طلاق به خاطر اختلاف سنی ۱۲ساله

اختلاف سنی ۱۳ساله با شوهر، زنی را روانه دادگاه خانواده کرد تا از او طلاق بگیرد. به گزارش فارس این زن به قاضی شعبه ۲۵۴ مجتمع قضایی خانواده می‌گفت: «شوهرم ۱۳ سال از من بزرگ‌تر است و مرا در زندگی راهی جز جدایی ندارم. در واقع من از این زندگی ناپدید می‌شوم و به همین خاطر تمایلی به اینکه در کنار شوهرم باشم، ندارم.» شوهر این زن نیز بعد از شنیدن حرف‌های همسرش گفت: «من با طلاق مخالف هستم. او می‌توانست ابتدای زندگی جواسش را جمع کند تا الان اختلاف سنی‌مان ناراحتش نکند.» بنا بر این گزارش قاضی دادگاه با در شنیدن اظهارات طرفین، زن و مرد را به مصالحه دعوت کرد.